

## مبانی و آثار حقوقی

### تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه

■ سید مصطفی محقق داماد

□ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

■ محمود صادقی

□ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس

#### چکیده

در این مقاله، به منظور ارائه نظریه عمومی تعهد به نفع شخص ثالث در فقه امامیه، ضمن مروری کلی بر موارد شرط و قرارداد به نفع شخص ثالث در متون روایی و فقهی سه مورد از مصادیق مهم آن تفصیلاً مورد بحث قرار گرفته و این نتایج حاصل شده است: ۱) اصل اثر نسبی قرارداد در فقه امامیه همانند سایر نظامهای حقوقی معتبر است؛ ۲) طرفین قرارداد می‌توانند مطابق قصد و اراده خود استثنائاً به سود اشخاص ثالث ایجاد تعهد کنند؛ ۳) آثار تعهد به نفع شخص ثالث با توجه به قصد صریح یا ضمنی طرفین تعیین می‌شود؛ ۴) طرفین قرارداد می‌توانند تعهدی را که به سود شخص ثالث ایجاد کرده‌اند اسقاط کنند یا مفاد آن را تغییر دهند. معذک آنان می‌توانند این حق را از خود سلب کنند که در این صورت، حق شخص ثالث، لازم و غیر قابل اسقاط و تغییر خواهد بود.

کلید واژه‌ها: تعهد، شخص ثالث، اصل اثر نسبی قرارداد، تعهد به نفع شخص ثالث

#### ۱. مقدمه

ایجاد تعهد قراردادی به نفع اشخاص ثالث در تمام نظامهای حقوقی از لحاظ نظری با مشکلات خاصی روبه‌رو است. منشأ مشکلات، وجود اصل یا قاعده‌ای است که به اصل اثر نسبی قرارداد معروف است. به موجب مفهوم اولیة این اصل، که بیشتر در حقوق رم رواج داشت، قرارداد امری کاملاً شخصی به حساب می‌آید و آثار حقوقی آن از کسانی که امور شکلی و تشریفاتی آن را انجام می‌دادند منتزع نبود. بر مبنای این مفهوم، آثار اراده نماینده نمی‌توانست مستقیماً بر عهده اصیل قرار گیرد [۱]. حقوقدانان رومی برای توجیه قراردادهایی که به نیابت انجام می‌شد